

آزمون حضوری
شماره شش



رشته انسانی
پایه دوازدهم

مرورنامه آزمون آزمایشی خلی سبز

نام درس	مباحث	از صفحه	تا صفحه	مؤلف	ویراستار
علوم اجتماعی	جامعه‌شناسی ۳ درس ۳ صفحه ۱۹ تا ۳۱ جامعه‌شناسی ۱ درس ۹ تا ۱۲ صفحه ۷۵ تا ۱۰۲	۲	۱۲	محمدابراهیم مازنی	سعید ستوده مهر



درس ۳ دوازدهم: نظم اجتماعی

قواعد اجتماعی

● در زندگی روزمره، بی‌نظمی بیشتر از نظم به چشم می‌آید. ما نمی‌توانیم نظم اجتماعی را مشاهده کنیم، به دلیل این که به نظم عادت کرده‌ایم. تعریف: جامعه‌شناسان برای شناختن نظم، از امور آشنا و مانوس، آشنایی‌زدایی می‌کنند؛ یعنی از دید یک فرد غریبه به موضوعات آشنا و روزمره اطراف خود نگاه می‌کنند و در کنار بی‌نظمی، نظم را می‌شناسند.

نتایج آشنایی‌زدایی → کشف نظم‌های پنهان و شگفت‌انگیز زندگی انسان‌ها
نزدیک‌شدن به پیچیدگی و عمق موقعیت‌های اجتماعی

نظم یعنی قرارگرفتن هر پدیده در جای خود. جای پدیده‌ها را قواعد تعیین می‌کنند.
رابطه نظم و قواعد اجتماعی → نظم اجتماعی در نتیجه قواعدی برقرار می‌شود که ما انسان‌ها برای با هم زندگی کردن پذیرفته‌ایم.
فوائد نظم اجتماعی → پیش‌بینی رفتار دیگران و همکاری با آن‌ها را امکان‌پذیر می‌نماید.
باعث می‌شود توقعات و انتظارات خود از دیگران را بدانیم.
باعث می‌شود اتفاقات غیرمنتظره، ما را از همکاری با دیگران بازدارد.

نکته

جامعه‌شناسان در شناخت نظم اجتماعی، به این پرسش‌ها توجه می‌کنند: قواعد و هنجارهای با هم زندگی کردن چگونه به وجود می‌آیند؟ چگونه دوام می‌آورند؟ چگونه تغییر می‌کنند؟

نظام اجتماعی

● قواعد اجتماعی، ارتباط ما با یکدیگر را امکان‌پذیر می‌سازند و سامان می‌دهند، کنش‌های ما را برای یکدیگر قابل پیش‌بینی می‌کنند و امکان مشارکت ما در زندگی اجتماعی را فراهم می‌آورند.

خود این قواعد، از طریق ساختار اجتماعی با یکدیگر هماهنگ می‌شوند؛ ارتباط میان پدیده‌های اجتماعی، ساختار اجتماعی نامیده می‌شود. ساختار اجتماعی را در گروه‌های رسمی مانند سازمان‌ها بهتر می‌توان دید.

اگر ساختار اجتماعی را به خودرویی تشبیه کنیم که یک‌جا پارک شده است، نظام اجتماعی همان خودرو است که روشن شده و در حرکت است.
نظام اجتماعی، یک ساختار اجتماعی پویاست.
منظور از پویابودن نظام اجتماعی این است که بخش‌های آن بر یکدیگر اثر می‌گذارند و از یکدیگر اثر می‌پذیرند.

نکته

نظام اجتماعی هم می‌تواند در خود تغییراتی به وجود آورد و هم در محیط؛ نظام اجتماعی با این تغییرات، نیازهای خود را تأمین می‌کند و خود را در بلندمدت حفظ می‌نماید.

تغییرات نظام اجتماعی

در محیط (مانند برداشت روزافزون از منابع تجدیدناپذیر)

در خود (مانند رشد جمعیت)

نکته

گاهی تغییر در یک پدیده اجتماعی با تغییر در پدیده دیگر همراه است. این دو پدیده را هم تغییر می گویند. یعنی می توان تغییرات یکی از آن ها را به کمک تغییرات دیگری توضیح داد.

جامعه شناسی تبیینی

- تبیین تجربی و شکل گیری جامعه شناسی تبیینی -

تعریف: منظور از تبیین، بیان چرایی یک پدیده یا نشان دادن علت ایجاد یا زوال آن است.

در تبیین پدیده هایی که قبلاً مستقل از هم به نظر می رسیدند، در ارتباط با یکدیگر قرار می گیرند. میان پدیده هایی که بیشتر در ارتباط با هم دیده می شده اند، روابط جدیدی طرح می شود.

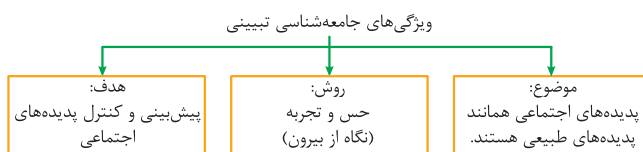


مثال: حرارت باعث انبساط فلزات می شود و رکود اقتصادی باعث افزایش بیکاری در جامعه می شود.

در اوایل قرن نوزدهم میلادی، با محدود دانستن دانش علمی به دانش تجربی، صرفاً تبیین های تجربی به رسمیت شناخته می شود. زیرا چنین می پنداشتند که دانش علمی، تنها از راه حس به دست می آید.



جامعه شناسی در آغاز شکل گیری خود سعی کرد به علوم طبیعی به ویژه علم فیزیک نزدیک شود. به همین دلیل ← اگوست کنت، بنیان گذار جامعه شناسی، ابتدا نام فیزیک اجتماعی را برای این رشته برگزید. این رویکرد که جامعه شناسی را در زمره دانش های تجربی و ابزاری قرار می دهد، با نام جامعه شناسی تبیینی شناخته می شود.



- رابطه علوم طبیعی و اجتماعی در جامعه شناسی تبیینی -

در رویکرد تبیینی، پدیده های اجتماعی مانند پدیده های طبیعی و جامعه همانند طبیعت در نظر گرفته می شود.

روش مطالعه جامعه و طبیعت یکسان انگاشته می شود. (روش طبیعی و تجربی)

بنابراین همان طور که علوم طبیعی با شناخت نظم موجود در طبیعت، امکان پیش بینی، پیشگیری و کنترل طبیعت را برای انسان فراهم می کند، جامعه شناسی نیز با شناخت نظم اجتماعی، به انسان ها قدرت پیش بینی و کنترل جامعه را می دهد. به همین دلیل در رویکرد تبیینی، هدف جامعه شناسی همانند هدف علوم طبیعی است.

نکته

موفقیت های دانشمندان علوم طبیعی، باعث شد جامعه شناسان علاقه مند شوند تا شباهت های جامعه و پدیده هایی همچون ماشین و بدن انسان را برجسته کنند.

- دیدگاه جامعه شناسی تبیینی نسبت به نظم اجتماعی -

جامعه شناسی تبیینی، جامعه و نظم اجتماعی را براساس مناسبات بیرونی توضیح می دهد و این روابط و مناسبات را مبتنی بر قرارداد، ترس و اجبار می داند.



- جامعه‌ای که نظم اجتماعی را از این منظر برقرار می‌سازند
- شاید با تهدید، تطمیع و اجبار قادر باشند که پیش‌بینی رفتارها را تضمین کنند.
- اما در جلب مشارکت و همکاری افراد براساس میل، رضایت و رغبت موفق عمل نمی‌کنند. از این‌رو، هر روز باید بر حجم قواعد و قوانین نظارتی، نیروها و ابزارهای کنترل‌کننده خود بیفزایند.

– یکسان‌انگاری طبیعت و جامعه –

- اگر جامعه را همچون طبیعت تصور کنیم و آن را دستاوردی انسانی ندانیم (یعنی آن را واقعی‌تری بیرونی تصور کنیم)، در آن صورت:
- ۱) ما فقط می‌توانیم از دانش‌های ابزاری خود استفاده کنیم و جامعه و پدیده‌های اجتماعی را بشناسیم.
- ۲) قادر نخواهیم بود تغییری بنیادین در جامعه به وجود آوریم. نظم اجتماعی، بیرون و مستقل از ما خواهد بود و فقط باید خود را با آن تطبیق دهیم و سازگار کنیم.

- یکسان‌انگاری طبیعت و جامعه (در جامعه‌شناسی تبیینی)
- انسان‌ها را به پیچ و مهره‌های نظم اجتماعی تقلیل می‌دهد.
- انسان را مغلوب جامعه می‌سازد.
- دیدگاه انسان نسبت به طبیعت و جامعه را دگرگون می‌سازد.

- در جامعه‌شناسی تبیینی
- انسان ← صرفاً یک موجود طبیعی پیچیده‌تر از سایر موجودات طبیعی دانسته می‌شود. در حالی که انسان‌ها با سایر موجودات، تفاوت‌های بنیادی دارند.
- جامعه ← صرفاً یک پدیده طبیعی پیچیده است و تفاوت
- ۱) همه جوامع مسیر یکسانی را به سوی پیشرفت طی می‌کنند.
- ۲) برخی جوامع از برخی دیگر پیچیده‌ترند، در رفع نیازهای خود تواناترند و به همین دلیل پیشرفته‌ترند.



درس ۹ دهم: بازتولید هویت اجتماعی (چگونگی شکل‌گیری و تداوم هویت اجتماعی)

تعریف: بازتولید هویت اجتماعی، به معنای انتقال آن (هویت اجتماعی) از نسلی به نسل دیگر است؛ به گونه‌ای که علی‌رغم گذر زمان و پذیرش تغییرات، ویژگی‌های اساسی آن پایدار می‌ماند و دوام می‌آورد.

نقش جامعه‌پذیری در بازتولید هویت اجتماعی

تعریف: به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، جامعه‌پذیری می‌گویند.

● حیوانات براساس غریزه به نقش و وظایف خود آگاه می‌شوند؛ اما انسان برخلاف سایر موجودات، به صورت غریزی به این نقش‌ها و وظایف آگاهی ندارد. انسان باید با آگاهی خود: (۱) موقعیت اجتماعی را بشناسد، (۲) حقوق و تکالیف خود را یاد بگیرد، (۳) با عمل به حقوق و تکالیف خود، هویت اجتماعی خود را شکل دهد.

● هر فرد در یک جهان اجتماعی متولد می‌شود که به وسیله نسل‌های قبل از او ایجاد شده است؛

جهان اجتماعی

- پس از تولد هر فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند؛ یعنی آن فرد را به عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد و برای او ویژگی‌هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می‌گیرد.
- برای بقا و تداوم، اعتقادات، ارزش‌ها و شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد. فرد نیز برای مشارکت در جهان اجتماعی، شیوه زندگی در آن را می‌آموزد.

● انسان با آموزش‌هایی که در خانواده می‌بیند، اولین و مهم‌ترین آشنایی‌ها را با جهانی که در آن متولد شده است، پیدا می‌کند.

کژروی اجتماعی

تعریف: جامعه تلاش می‌کند افراد را جامعه‌پذیر کند، اما فرایند جامعه‌پذیری همیشه به طور کامل انجام نمی‌گیرد و با موفقیت همراه نیست. همواره افرادی هستند که جذب عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی خود نمی‌شوند و نقشی را که نهادها و سازمان‌های مختلف جامعه از آن‌ها انتظار دارند، نمی‌پذیرند. به کنش‌هایی که برخلاف عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند، کژروی اجتماعی می‌گویند.

نکته

جامعه، افرادی را که دچار کژروی اجتماعی شده‌اند، رها نمی‌کند. در تمامی بخش‌های جهان اجتماعی، سازوکارهایی برای نظارت بر اعضا وجود دارد. عضویت در جهان اجتماعی همواره با نظارت و کنترل همراه است و صرفاً به این توصیه بسنده نمی‌شود که: «من آن‌چه شرط بلاغ است با تو می‌گویم / تو خواه از سخنم پند گیر خواه ملال».

نقش کنترل اجتماعی در بازتولید هویت اجتماعی

تعریف: به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می‌گیرد، کنترل اجتماعی می‌گویند.

● هر جامعه‌ای علاوه بر جامعه‌پذیری، برای پیشگیری و کنترل کژروی‌های اجتماعی، روش‌های زیر را به کار می‌گیرد:

۱) تبلیغ و اقناع

- هر جهان اجتماعی می‌کوشد تا از طریق آموزش، عقاید و ارزش‌های خود را به گونه‌ای ترویج کند که افراد برای پذیرش آن‌ها اقناع شوند.
- اقناع روشی است که به واسطه آن، فرهنگ در افراد درونی می‌شود. هر چه قدرت اقناع یک فرهنگ بیشتر باشد، افراد کنش‌ها و اعمال متناسب با آن فرهنگ را بهتر انجام می‌دهند. فرهنگ‌هایی که ظرفیت منطقی و عقلانی بیشتری دارند و با فطرت آدمیان سازگارترند، از قدرت اقناع بیشتری برخوردارند.

مروانه آزمون آزمایشی خیلی سبز



- ۲ تشویق و پاداش ← هر جهان اجتماعی، افرادی را که مطابق ارزش‌ها و قواعدش عمل کند، تشویق می‌کند.
- ۳ تنبیه و مجازات ← هر جهان اجتماعی، افرادی را که دچار کژروی اجتماعی شوند، تنبیه و مجازات می‌کند.
- تشویق و تنبیه به دو شیوه رسمی و غیررسمی انجام می‌شود:
- شیوه رسمی: توسط سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی مانند پلیس، دادگاه و زندان صورت می‌گیرد.
 - شیوه غیررسمی: بیشتر در خانواده، همسالان یا به وسیله عموم افراد جامعه انجام می‌شود و آثار و نتایج عمیق‌تری دارد.

- هر جهان اجتماعی که روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد:
- (الف) در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد.
- (ب) بازتولیدش با مشکل مواجه می‌شود.
- (پ) دوام و بقای آن تهدید می‌شود.

نقش امر به معروف و نهی از منکر در جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی

- در جهان اسلام، امر به معروف و نهی از منکر در فرایندهای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی نقش مهمی دارد و دارای آثار فردی و اجتماعی و نتایج معنوی و دنیوی بسیاری است.

۱) همگانی: گاهی به عهده همه افراد جامعه است.	سطوح امر به معروف و نهی از منکر
۲) خاص: گاهی وظیفه سازمان‌های رسمی و حکومتی است.	
۱) تبلیغی ۲) تشویقی ۳) تنبیهی	روش‌های امر به معروف و نهی از منکر

درس ۱۰ دهم: تغییرات هویت اجتماعی (فرصت‌ها و محدودیت‌های تغییرات هویتی در جهان اجتماعی)

بررسی سه مفهوم

– موقعیت اجتماعی –

تعریف: منظور از موقعیت اجتماعی، جایگاهی است که فرد در جامعه یا در یک گروه اجتماعی دارد.

ما با شناخت موقعیت اجتماعی فرد، درباره او اطلاعاتی به دست می‌آوریم.

کسب هویت‌های اجتماعی جدید، با تغییراتی در موقعیت‌های اجتماعی افراد همراه است.

– تحرک اجتماعی –

در بدو تولد، هویت اجتماعی انتسابی خود را به صورت انفعالی در محیط خانواده و ... می‌پذیرند؛ یعنی خودشان در به دست آوردن آن نقشی ندارند.

با گذر زمان، به گونه‌ای فعال با محیط اجتماعی خود برخورد می‌کنند؛ هویت اکتسابی خود را به دست می‌آورند و متناسب با این هویت اجتماعی جدید، از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می‌شوند.

تعریف: جابه‌جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر را **تحرك اجتماعی** می‌گویند. تحرك اجتماعی دارای انواعی است:

تقسیم‌بندی اول	صعودی	کارمند یک اداره که مدیر کل می‌شود.
	نزولی	مدیر اداره که عزل می‌شود و به عنوان کارمند عادی فعالیت می‌کند.
	افقی	کارمندی که از یک بخش به بخش دیگر منتقل می‌شود.
تقسیم‌بندی دوم	درون‌نسلی	تحرك اجتماعی یک فرد در طول زندگی خودش
	میان‌نسلی	تحرك اجتماعی یک فرد نسبت به والدینش

- انسداد اجتماعی -

تعریف: مسدودبودن راه ارتقا و **تحرك اجتماعی صعودی** را انسداد اجتماعی می‌گویند.

- انسداد اجتماعی بیشتر در جوامعی وجود دارد که در آن، موقعیت اجتماعی افراد براساس ویژگی‌های **انتسابی** تعیین می‌شود؛ ولی در بسیاری از جوامع که مبتنی بر ویژگی‌های **اكتسابی** هستند نیز، شرایط به گونه‌ای است که در عمل، راه تحرك اجتماعی بر محرومان بسته می‌شود. مثال: در جوامعی که رده‌بندی موقعیت‌های اجتماعی براساس **سرمایه اقتصادی** است، محرومان با انسداد اجتماعی مواجه‌اند.

●● طبقه‌بندی افراد در جوامع فئودالی ●●

- در جوامع فئودالی غربی، موقعیت اجتماعی افراد به رابطه آن‌ها با زمین بستگی داشت. افراد در این جوامع، به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱) ارباب (فئودال)

۲) رعیت

۳) طبقه متوسط

- ← طبقه‌ای از مردم عادی بودند که اشراف و رعیت نبودند؛ به همین دلیل از آن‌ها به **طبقه سوم** یاد می‌شود که شامل صراف، بتّا، کفّاش و ... بود.
- ← این طبقه هویت منفی و پست داشت و از نظر قانونی و اجتماعی از هیچ اهمیت و اعتباری برخوردار نبودند؛ ولی به علت فواید و کارکردهایی که داشت تحمل می‌شد. ← «طبقه سوم چیزی نیست، اما می‌خواهد چیزی بشود.»
- ← پیدایش فرهنگ فایده‌گرایی: طبقه متوسط جهت کسب اعتبار برای خودش، به ارزیابی گروه‌های دیگر براساس مفید بودن یا نبودن آن‌ها پرداخت. ← با ارزیابی اشراف با معیار فایده‌مندی، آن‌ها را بی‌اعتبار می‌دانست؛ زیرا آن‌ها را سربار و مصرف‌کننده معرفی می‌کرد. ← پذیرش معیار فایده‌مندی توسط عموم مردم، به پیدایش فرهنگ فایده‌گرایی منجر شد. ← این روند به شکل‌گیری جوامعی انجامید که در آن‌ها وضعیت اقتصادی افراد، موقعیت اجتماعی آن‌ها را معین می‌کرد و سایر ویژگی‌های هویتی به آن وابسته می‌شد.

فرصت‌ها و محدودیت‌های تغییرات هویتی

در جهان‌های اجتماعی مختلف، فرصت‌های پیش روی افراد برای تحرک اجتماعی و کسب هویت‌های جدید، متفاوت است. هر جامعه‌ای به تناسب عقاید و ارزش‌هایی که دارد، برخی تغییرات هویتی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌کند. در جدول زیر به بررسی امکان تغییرات هویتی در برخی جهان‌های اجتماعی می‌پردازیم:

جامعه آپارتاید (جدانزادی)	<ul style="list-style-type: none"> براساس ارزش‌های نژادی شکل می‌گیرد. صرفاً برای یک نژاد خاص، امکان تحرک اجتماعی صعودی را فراهم می‌آورد.
جامعه سرمایه‌داری	<ul style="list-style-type: none"> قواعد و روابط آن براساس ارزش‌های اقتصادی است. تحرک اجتماعی صعودی را تنها برای کسانی ممکن می‌سازد که منابع ثروت را در اختیار دارند.
جامعه دینی و معنوی	<ul style="list-style-type: none"> هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی انسان را نفی کنند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.
جامعه سکولار و دنیوی	<ul style="list-style-type: none"> حول ارزش‌های دنیوی و این جهانی شکل می‌گیرد و تحرک اجتماعی را در محدوده همان ارزش‌ها به رسمیت می‌شناسد. هویت دینی و معنوی افراد نمی‌تواند در آن بروز و ظهور داشته باشد. فعالیت‌هایی که هویت دینی افراد را آشکار کند، منع می‌کند. مثال ۱: جلوگیری از تحصیل دختران محجبه در برخی جوامع غربی مثال ۲: عدم امکان رای دادن به قوانین الهی در کشورهای تحت نفوذ غرب، مانند الجزایر (دموکراسی کنترل‌شده)

نکته

- هویت شغلی افراد در جامعه سرمایه‌داری و جهان اسلام:
- در جامعه سرمایه‌داری ← مالکیت ثروت همراه با شغل، از پایه‌های اساسی هویت‌یابی هستند. به همین دلیل ← امروزه شغل اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است.
 - در جهان اسلام ← مشاغل به سه دسته تقسیم می‌شوند: (۱) حرام، (۲) مکروه و (۳) مستحب. اساس منع و ترغیب اسلام نسبت به مشاغل و حرفه‌ها، آثار مخرب و سازنده این حرفه‌ها بر تربیت و هویت انسان‌هاست. اسلام، تربیت انسان‌های متعالی را هدف آفرینش می‌داند و برای تحقق آن، مراقبت‌های ویژه‌ای اعمال می‌کند.

انواع تغییرات هویتی جهان اجتماعی

توسعه فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> مادامی که هویت اجتماعی افراد در چارچوب عقاید و ارزش‌های اساسی جامعه شکل می‌گیرد، تغییرات هویتی افراد و گروه‌ها با هویت جهان اجتماعی سازگار است و مورد تشویق و تأیید جامعه نیز قرار می‌گیرد. مثال: فردی که با تلاش و پشتکار خود، در یکی از عرصه‌های اجتماعی دست به نوآوری می‌زند و از این طریق، موقعیت اجتماعی خود و برخی از افراد جامعه را ارتقا می‌بخشد، مورد تأیید جامعه واقع می‌شود.
تعارض فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> تغییرات هویتی افراد، گاه از مرزهای مورد قبول جهان اجتماعی فراتر می‌رود. اگر تغییرات هویتی بیرون از مرزهای مقبول جهان اجتماعی رخ دهد و شیوه‌هایی از زندگی را که با عقاید و ارزش‌ها در تقابل هستند به دنبال بیاورد، به تعارض فرهنگی منجر می‌شود که اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به همراه دارد. علل تعارض فرهنگی: <ul style="list-style-type: none"> درونی ← نوآوری‌ها و فعالیت‌های اعضای جهان اجتماعی بیرونی ← پیامد تأثیرپذیری از جهان‌های اجتماعی دیگر نکته: هر نوع ابداع یا نوآوری یا هر نوع مواجهه با جهان‌های اجتماعی دیگر، به تعارضات فرهنگی منجر نمی‌شود.

درس ۱۱ دهم: تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل درونی)

هویت جهان اجتماعی چیست؟

- هویت اجتماعی افراد، محصول عضویت گروهی آنهاست.
 - جهان اجتماعی نیز هویتی دارد که از آن به هویت فرهنگی جهان اجتماعی یاد می‌شود.
- بر اساس عقاید و ارزش‌های اجتماعی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد.
- هنگامی محقق می‌شود که در میان مردم، عقاید و ارزش‌های مشترکی پدید آید.
- هرگاه نوعی از عقاید و ارزش‌ها از سوی افراد پذیرفته و به رسمیت شناخته شود، هویت فرهنگی جهان اجتماعی پدید می‌آید.
- پدیده‌ای گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است.
- یعنی هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد.
- فرصت شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی خانوادگی، شغلی و ... متناسب با خود را پدید می‌آورد و در برابر انواع هویت‌های اجتماعی که با عقاید و ارزش‌های آن ناسازگار است، مقاومت می‌کند.
- تا زمانی که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جهان اجتماعی باشد و برای آنها مهم باشد، دوام می‌آورد. هرگاه ارزش‌ها و عقاید اهمیت خود را نزد اعضای جهان اجتماعی از دست بدهند، دوام هویت فرهنگی با چالش‌هایی مواجه می‌شود.

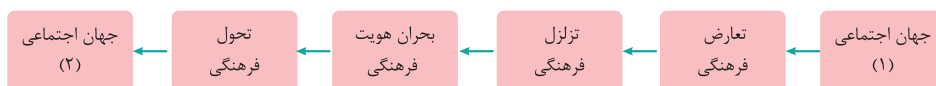


فرایند تحولات هویتی جهان اجتماعی چگونه است؟

- انواع تغییرات در جهان اجتماعی
- تغییراتی که درون یک جهان اجتماعی رخ می‌دهد. (تغییرات خرد و سطحی)
 - تغییراتی که یک جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگر تبدیل می‌کند. (تغییرات کلان و عمیق)
- به این‌گونه تغییرات اساسی، تحول فرهنگی می‌گویند.

– مراحل فرایند تحولات هویتی جهان اجتماعی –

مراحل	مفاهیم	توضیحات
۱	تعارض فرهنگی	شیوه زندگی ناسازگار با عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی است.
۲	تزلزل فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> گاهی تعارض فرهنگی تداوم می‌یابد و جهان اجتماعی نمی‌تواند کنش‌های اجتماعی را براساس فرهنگ خود سامان دهد. این وضعیت به تزلزل فرهنگی منجر می‌شود. تزلزل فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جهان اجتماعی را می‌سازند، مورد تردید قرار گیرند و ثبات و استقرار خود را در زندگی مردم از دست بدهند. نکته: ناسازگاری اغلب از سطح رفتارها و هنجارها آغاز می‌شود و به سطوح عمیق‌تر یعنی عقاید و ارزش‌ها می‌رسد.
۳	بحران هویت	<ul style="list-style-type: none"> تزلزل فرهنگی می‌تواند به بحران هویت منجر شود. بحران هویت فرهنگی در جایی به وجود می‌آید که جهان اجتماعی، توان حفظ و دفاع از عقاید و ارزش‌های اجتماعی خود را نداشته باشد.
۴	تحول فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> اگر در یک جهان اجتماعی بحران هویت پدید آید، راه برای دگرگونی هویت فرهنگی آن جهان اجتماعی باز می‌شود. در این صورت، تغییرات اجتماعی از محدوده تغییرات درون جهان اجتماعی فراتر می‌روند — به صورت تحولات فرهنگی درمی‌آیند — جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کنند. مثبت: اگر فرهنگی که گرفتار تزلزل، بحران و تحول می‌شود، فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت است. مثال: تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی منفی: اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد، فرهنگ حق باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است. مثال: تحول جامعه نبوی به جامعه اموی



– علل تحولات فرهنگی –

- ۱) علل درونی

 - یا به ابداعات و نوآوری‌های مثبت و منفی اعضای جهان اجتماعی مربوط می‌شود.
 - یا به کاستی‌ها و بن‌بست‌های موجود در هویت فرهنگی جهان اجتماعی بازمی‌گردد.

الف) اگر یک جهان اجتماعی با کاستی‌ها و بن‌بست‌های درونی مواجه شود — گرفتار کهنوت و مرگ می‌شود.

ب) اگر جهان اجتماعی با وجود به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌های خود، از پاسخگویی به نیازهای طبیعی یا جسمانی یا فطری و معنوی انسان‌ها بازماند — مرگ جهان اجتماعی رخ می‌دهد.

مثال: شیوه زندگی مرتاض‌ها و راهبه‌ها، نشانگر مرگ جهان اجتماعی است.

ج) جهان اجتماعی که متناسب با نیازهای معنوی و روحی افراد عمل نکند، به پرسش‌های آن‌ها درباره معنای مرگ و زندگی پاسخ ندهد، از این پرسش‌ها غفلت کند یا به پوچ‌انگاری برسد — نشاط زندگی را از دست می‌دهد و با انواع مختلف آسیب‌ها مانند یأس، ناامیدی و خودکشی افراد روبه‌رو می‌شود.

نکته: کاستی و خلأ معنوی، دانشمندان و متفکران را به بازاندیشی درباره بنیان‌های عقیدتی و ارزشی جهان اجتماعی فرامی‌خواند و آن‌ها را برای عبور از مرزهای هویت فرهنگی جهان اجتماعی تشویق می‌کند.
- ۲) علل بیرونی: پیامد مواجهات و ارتباطات جهان اجتماعی با جهان‌های اجتماعی دیگر است که در درس آینده، بررسی خواهد شد.

درس ۱۲ دهم: تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل پیرونی)

ارتباط جهان‌های اجتماعی در چه صورتی به تحولات فرهنگی منجر می‌شود؟

- ارتباط و دادوستد جهان‌های اجتماعی مختلف با یکدیگر، عادی و متداول است، ولی می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد.
- این ارتباطات امری پذیرفته شده است و پرسش اساسی نه در اصل ارتباط، بلکه در چگونگی آن است.

روابط در محدوده لایه‌های سطحی جهان اجتماعی (هنجارها، نمادها، شیوه‌های زندگی):

- اگر جهان اجتماعی با حفظ عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های خود، با جهان اجتماعی دیگر دادوستد داشته باشد و در محدوده هنجارها و شیوه زندگی، عناصری را از جهان اجتماعی دیگر بگیرد و در صورت لزوم، تغییرات لازم را در آن‌ها پدید آورد — زمینه گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد.

مثال: جهان اسلام در سده‌های نخستین رویارویی با جهان‌های اجتماعی دیگر:

- (الف) با حفظ هویت فرهنگی خود به تعامل با آن‌ها پرداخت — به همین دلیل عناصر سازگار با هویت خود را از آن‌ها گرفت و به بازسازی آن‌ها پرداخت.
- (ب) به دلیل اهمیتی که اسلام برای عقل و عقلانیت قائل است، در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی آن‌ها را پذیرفت و به تناسب هستی‌شناسی توحیدی خود، در دانش‌های مختلف آن‌ها دخل و تصرف کرد و عناصر اساطیری و مشرکانه آن‌ها را نپذیرفت.
- (ج) مسلمانان آثار فلسفی، پزشکی، ریاضی و نجوم یونان و روم را ترجمه کردند؛ ولی آثار تاریخی، ادبی، افسانه‌ها و اسطوره‌های آن‌ها را رها کردند.

شکل‌های متفاوت روابط جهان‌های اجتماعی با یکدیگر

روابط در محدوده لایه‌های عمیق جهان اجتماعی (عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی):

- اگر جهان اجتماعی در تعامل با جهان دیگر، در عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند — دادوستد فرهنگی به لایه‌های عمیق آن جهان سرایت می‌کند.

- در صورتی که به مرور زمان، به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند — دچار تحولات هویتی می‌شود.

- جهان اجتماعی‌ای که در مسیر تحولات هویتی، ارزش‌ها و عقاید جهان اجتماعی دیگری را قبول کند — به آن جهان ملحق می‌شود.

- مثال: جهان اسلام در رویارویی با فرهنگ‌های دیگر، زمینه تحولات هویتی آن‌ها را پدید آورد. بسیاری از فرهنگ‌ها همانند مصر و ایران در تعامل با جهان اسلام، عقاید و ارزش‌های توحیدی آن‌ها را پذیرفتند و به آن ملحق شدند.

- ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از آن، هویت جدیدی به دست آورد و بدون این‌که به جهان اجتماعی مقابل ملحق شود — دچار تحولات هویتی گردد.

- مثال: جهان غرب، طی جنگ‌های صلیبی، پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی و پذیرش برخی لایه‌های آن، بدون این‌که به جهان اسلام بپیوندد، تحولات هویتی پیدا کرد. این جهان، بار دیگر با عبور از عقاید و ارزش‌های مسیحیت قرون وسطی، به عقاید و ارزش‌های دنیوی و سکولار روی آورد و هویت جدیدی پیدا کرد.

— خودباختگی فرهنگی —

- جهان اجتماعی هنگامی به دادوستد و تعامل می‌پردازد که اعضای آن، به طور خلاق و فعال براساس نیازها، مشکلات و مسائل خود، با جهان اجتماعی دیگر رویارو شوند.



● اگر اعضای جهان اجتماعی مبهوت و مقهور جهان اجتماعی دیگر شوند ← در نتیجه ← حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهند ← دچار خودباختگی فرهنگی می‌شوند.

← اعضای آن، عناصر فرهنگی دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به صورت تقلیدی فرامی‌گیرند.
 ← به روش تقلیدی عمل می‌کند.
 ← ویژگی جهان اجتماعی خودباخته ← ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد. ← بنابراین نه می‌تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم بخشد یا گسترش دهد و نه می‌تواند آن را رها کند و از آن بگذرد و به جهان اجتماعی دیگری که مبهوت و مقهور آن شده است، ملحق شود.
 ← نکته: بسیاری از جوامع غیرغربی، در رویارویی با جهان غرب، به دلیل این که مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی برتر غرب گشتند، به خودباختگی فرهنگی گرفتار شدند. خودباختگی جوامع غیرغربی در برابر جهان غرب را غرب زدگی می‌نامند.

از خودبیگانگی فرهنگی چیست؟

← از خودبیگانگی تاریخی: اگر جهان اجتماعی فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند و در مواجهه با جهان دیگر، هویت خود را از یاد ببرد، به این معنای از خودبیگانگی دچار می‌شود.
 ← از خودبیگانگی فطری (حقیقی): اگر عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی، مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جهان دچار این معنای از خودبیگانگی می‌شود.

← مانع از آن می‌شوند که انسان به شناخت و تفسیری صحیح از عالم و آدم برسند.
 ← در این جهان، انسان‌ها از حقیقت خود و هستی دور می‌مانند.
 ● جهان‌های اجتماعی که براساس فطرت انسان‌ها شکل نگرفته‌اند: ← تصویری که در این جهان‌ها از انسان ارائه می‌دهند، سرابی از حقیقت است؛ به همین دلیل: (۱) فطرت آدمی در آن به آرامش نمی‌رسد، (۲) انسان به اضطراب و تشویش گرفتار می‌شود، (۳) در نهایت سر به عصیان و اعتراض برمی‌دارد.
 ← جهان اجتماعی مشرکانه و اساطیری و جهان اجتماعی سکولار و دنیوی، از این گونه‌اند.
 ● از نظر قرآن، انسان هنگامی به شناخت حقیقت خود و جهان می‌رسد که با نگاه توحیدی به خود و جهان بنگرد. قرآن، فراموش کردن خداوند را سبب فراموشی انسان از خود می‌داند.

↓
 براساس این نگاه، تنها در جهان اجتماعی توحیدی
 ← درهای آسمان و زمین بر روی انسان گشوده می‌شود.
 ← انسان با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌شود.
 ← خود و جهان را آیات و نشانه‌های خداوند می‌یابد.